



به نام یگانه خالق هستی بخش

انسان شناسی سکولار



انسان شناسی سکولار:

من چرا بی خبر از خویشتم من کیم تا که بگویم که منم
من بدین جاز چه رو آمده ام کیست که تا کو بنماید وطنم
آخر الأمر کجا خواهم شد چیست مرگ من و قبر و کفنم
گاه بینم که در این دار وجود با همه همدم و هم سخنم
گاه انسانم و گاه حیوانم گاه افراشته و گاه اهرمنم

تعریف انسان شناسی

انسان شناسی چیست: بطور کلی مطالعه عتمی منشا رفتار و پیشرفت فیزیکی
اجتماعی و فرهنگی بشر است این علم تاکیدی که نسبت به فرهنگ دارد از سایر
علوم اجتماعی (مانند جامعه شناسی) تفکیک می شود (بطور خلاصه مقایسه یک
فرهنگ با فرهنگ دیگر)

انسان شناسی سکولار:

اگر انسانها را از نوع تحصیلات به دو گروه تقسیم کنیم:

۱- علوم انسانی و اجتماعی

۲- علوم مهندسی و پزشکی



انسانهای که در رشته علوم انسانی واجتماعی

مطالعه کردند و یا تحقیقاتی را گذراندند در بدو شروع و ایده نهایی آنها در دست گرفتن هدایت یک گروه و یا یک جامعه کوچک و یا جامعه بزرگتر مثل شهری و یا در کنترل گرفتن یک کشور است.

و اغلب این گروه از انسانها ایدئولوک هستند یعنی نظریه پرداز یعنی تحصیلات آنها ریشه فلسفی و یا فلسفه بافی دارد و یا تولید نظریه های خاص و در دست گرفتن هدایت جامعه.

انسان هایی که در رشته های غیر علوم انسانی و اجتماعی تحصیل کردند و یا تحصیل می کنند مثلا رشته های مهندسی و پزشکی افراد تکنیکال و عملیاتی هستند و تکنولوژی درست می کنند و یا به کمک تکنولوژی زیر ساخت جامعه را در دست دارد مثلا مهندس عمران، بل سازی و ساخت سازه و ساختمان و جاده و راه می کنند و یا مهندس برق و الکترونیک و مخابرات ، نیروگاه و موبایل و سیستم های مخابراتی و یا طراحی دستکاه های الکترونیکی می کند که ماهیت کار آن به ظهور رساندن و عینیت بخشیدن به علم فردی می باشد حاصل عملیات ان مشهود است که عملکرد ان گویای دانش علم کسب شده و حاصل ان محصول است اما در رشته های علوم انسانی و اجتماعی فقط نظریه و ایده است و مقابله کردن با این نوع انسانها چون خروجی ندارند کار بس مشکل است هر گروهی نظریه گروهی دیگر را رد می کند و یا متمم بر نظریه دیگری دارند عمدتاً این انسان ها تابع نظریه و رفتارهای خود و خود محور هستند در این گروه انسان ها ، انسان های غیر متعامل و یا خیلی کم



می باشند و در بحث و جدال های نظریه ای سعی دارند دیگری را تحت تسلط خود گیرند اگر بررسی به مکاتب کنیم این واقعیت ها را بیشتر حس می کنیم (می دانیم که تمام این مکاتب ها و نظری های پوج که تبدیل به یک روش زندگی شده است ماهیت مادی دارد)

نظریه های مکاتب:

۱: مارکسیسم

۲: فاشیزم

۳: ماتریالیسم

که این ۳ نوع ایدئولوژی سکولاریسم توسط نظریه پردازیهایی غلط افراد نظری پرداز حرفهای زیادی میزنند و اصول و مرجع ندارند مثل نظریه دکارت ویا فرانسیس بیکن و یا ارسطو و افلاطون ، شما در این مکاتب می بینید که مارکسیسم و فاشیزم کاملاً شکست خورده و از بین رفته است و در حال حاضر فقط مکتب ماتریالیستی که در مقابل مکتب های دینی وجود دارد آنهم طولی نخواهد کشید که زوال کشیده می شود

انواع انسان شناسی

این مقوله را می توان بر اساس روش به انسان شناسی تجربی ، عرفانی ، فلسفی و دینی تقسیم نمود .

اما با توجه به نوع نگرش به انسان شناسی کلان یا کل نگر و انسان شناسی خرد یا جزء نگر تقسیم کرد .

اندیشمندان برای حل معماها و پرسش های مطرح شده درباره انسان در طول تاریخ بشر راههای مختلفی را در پیش گرفته اند. و انسان شناسی در مکاتب نتیجه بررسیهای آنان می باشد .



برخی به بررسی مسأله با روش تجربی پرداخته و انسان شناسی تجربی را بنیان نهاده اند که دربرگیرنده همه رشته های علوم انسانی است .

گروهی راه درست شناخت انسان را سیر و سلوک عرفانی و دریافت شهودی دانسته و با تلاش هایی که از طریق انجام داده اند به نوعی شناخت از انسان که می توان آن را انسان شناسی عرفانی نامید دست یافته اند .

جمعی دیگر از راه تعقل و اندیشه فلسفی به بررسی زوایای وجود انسان دست یازیده و او را از این منظر مورد تحقیق قرار داده و نتیجه تلاش فکری خود را انسان شناسی فلسفی نامیده اند .

سرانجام گروهی با استمداد از متون دینی و روش نقلی درصدد شناخت انسان برآمده و انسان شناسی دینی را پایه گذاری کرده اند

زندگی نامه معروفترین نظریه پردازهای مکاتب براساس سکولاریسم:



زندگی نامه رنه دکارت:

او در ۳۱ مارس ۱۵۹۶ در **فرانسه** به دنیا آمد و در ۱۶۲۹ روانه هلند شد. دکارت در سپتامبر ۱۶۴۹ به دعوت ملکه سوید برای تعلیم فلسفه خویش به دربار وی در استکهلم رفت اما شرایط آب و هوا و همینطور نوع زندگی که دکارت به آن عادت نداشت او را به بیماری ذات الریه مبتلا ساخت

عصری که دکارت در آن می زیست به عصر **شکاکیت** نیز معروف می باشد و نمایان است که “شک” نه تنها اعتقادات دینی را متزلزل می کند بلکه آسایش و آرامش زندگی را نیز مختل می کند. دکارت نیز که به دیانت مسیحی معتقد و به گفته خودش وجود خداوند را همچون قضایای ریاضی بدیهی می دانست برای بر انداختن شکاکیت و رهانیدن اعتقادات و علوم از چنگال شک به تاسیس فلسفه جدیدی پرداخت، به همین خاطر او را پدر فلسفه نو نیز نامیده اند.

دکارت می گوید: ((یک چیز هست که در آن شک نتوان کرد و آن این که شک می کنم. چون شک می کنم فکر

دارم و می اندیشم. پس کسی هستم که می اندیشم)) و یا به عبارت معروف او

می اندیشم - پس هستم

از آثار علمی دکارت:

گفتار در روش راه بردن عقل:

رساله دیوپتیک

رساله کائنات جو

رساله هندسه



تفکرات در فلسفه اولی

اصول فلسفه

رساله در انفعالات انسانی

رساله در انسان و تشکیل جنین

او پدر هندسه تحلیلی می باشد

زندگی نامه افلاطون :

نخستین معمار اندیشه سیاسی

افلاطون در سال ۴۲۸ ق. م در یک خانواده اشرافی و اصیل **آتنی** متولد شد. نام اصلی او «**آریستوکلس**» بود و نام **افلاطون**، بعد ها به خاطر **پیکر تنومندش** به او داده شد. او در سن **بیست سالگی با سقراط** ملاقات کرد و شاگرد او شد. او **نخستین دانشگاه اروپایی** را تاسیس نمود.

در روانشناسی افلاطون، رفتارهای انسان از سه منبع میل، اراده و عقل سرچشمه می گیرد. از ویژگی های آرمانشهر افلاطون می توان موارد زیر را برشمرد :

- منشا و ریشه آن عدالت است؛



- یکی از مبانی آن، اصل تقسیم کار و تخصصی شدن کار است؛

- غایت اصلی و اولیه آن اقتصادی است؛

- جامعه ای نخبه گرا و طبقاتی است. افلاطون مانند فلاسفه پیش از سقراط بر این باور بود که تمام طبیعت در حال حرکت و تغییر است. تمام چیزها از ماده ساخته شده اند و در اثر گذشت زمان دچار فرسایش می شوند؛ اما چیزهایی هم هستند که جاودانه و تغییر ناپذیرند؛ آنها قالب ها یا صورت های موجوداتند. مثلا تمام انسان ها به وجود می آیند و می میرند، اما یک چیزی هست که همه انسان ها به طور مشترک دارند و سبب می شود آنها را انسان بدانیم. آن چیز، الگو، قالب و یا همان صورت جاودانه و تغییرناپذیر انسان است. نظریه مهم دیگر افلاطون درباره روح آدمی است. وی معتقد است که روح قبل از تعلق به بدن، در عالمی برتر و بالاتر که همان عالم مثل است، مخلوق و موجود بوده و پس از خلق بدن، روح به آن تعلق پیدا می کند و در آن جایگزین می شود. به گفته وی، انسان نیز موجودی دوگانه است.

انسان شناسی فلسفی افلاطون:

افلاطون طرفدار رویکردی در انسان شناسی فلسفی است که در آن، انسان وجودی سه جزئی شامل عناصر اصلی بدن، اراده و ذهن تصور می شود.



زندگی نامه ارسطو:

ارسطو (۳۸۴ - ۳۲۲ پ. م) در استاگریا (Stageria) واقع در شمال یونان متولد شد. پدرش، پزشک دربار بود. در هفده سالگی وی را برای ادامه تحصیل به آتن رفت. ارسطو از حدود سال ۳۶۷ پ. م. به مدت بیست سال و تا پایان عمر افلاطون در آکادمی فلسفه آتن مشغول فراگیری فلسفه شد. در سال ۳۳۵ پ. م.، به آتن بازگشت و لوکیوم (Lyceum) را برای تدریس فلسفه تاسیس کرد. او در لوکیوم همه شاخه های علمی روز مانند فیزیک، متافیزیک، منطق، اخلاق، بیولوژی، سیاست، علوم بلاغی و هنر را به بحث گذاشت و در شصت و دو سالگی، یعنی یک سال پس از مرگ اسکندر، با فلسفه بدرود گفت.

نظریه ارسطو همانند سلفش بر پایه نظریات ارگانیکی بنا شده است، اما توجه وی به میانه روی، و ابداعی که در ساخت و بافت این نظریه نشان داد.

طبق نظرایشان همه نظامهای سیاسی جهان با کمی تفاوت در دو مقوله نظام سیاسی رالیگاری و دموکراسی جای می گیرند. نوع اول حکومت طبقه غنی، و نوع دوم حکومت تهیدستان است. در نوع اول گروهی اندک اما ثروتمند و در نوع دوم گروهی پر شمار اما فقیر قدرت سیاسی را در دست گرفته اند. ارسطو فارغ از عقاید آرمانی، ضمن پیوند دادن آریستوکراسی و دموکراسی، به حکومت «طبقه متوسط» یا «جمهوری» رضایت می دهد و آن را «پولیتی» نام می نهد و همگان را به سوی آن فرا می خواند.



زندگی نامه فرانسیس بیکن:

فرانسیس بیکن در ۲۶ ژانویه ۱۵۶۱ در لندن در منزل پدرش متولد شد. پدر او بیست

سال اول سلطنت ملکه الیزابت مہر دار سلطنتی بود. در دوازده سالگی بیکن را در کمبریج

به کالج ترینیتی فرستادند و در شانزده سالگی در سفارت انگلیس در پاریس ماموریتی به وی پیشنهاد شد. در ۴۵ سالگی ازدواج کرد و در ۱۵۹۸ به جهت قروض خود به زندان افتاد. در ۱۶۰۶ مشاور قضایی سلطنتی گردید و در ۱۶۱۳ معاون دادستان کل شد و در ۱۶۱۸ در ۵۷ سالگی بالاخره به مقام مہر دار سلطنتی رسید. از جمله کتب اصلی او میتوان به "مقالات" و "احیاء العلوم کبیر" اشاره کرد که متأسفانه این یکی نا تمام ماند. بخش اصلی این کتاب "ارغنون نو" میباشد که برای بچالش کشیدن کتاب ارغنون ارسطو نوشته شده چون کتاب ارغنون ارسطو را در آن زمان کتاب جامع هستی شناسی و علوم میدانستند بیکن که با روش های هستی شناسی ارسطو و افلاطون مخالف بوده راه جدید هستی شناسی را ارائه داده بنابراین نام کتاب خود را ارغنون نو گذاشته .

در این کتاب او میگوید ما نمیتوانیم مجهولات را بوسیله قیاس (که جزء اصلی منطق ارسطوست) حل کنیم بلکه باید هر مجهول را با تجربه و مشاهده بسیار به جزئیات تقسیم کرد و سپس با استقرا پی به مجهولات برد.



آثار

- ارغنون جدید
- پیشرفت علم
- آتلانتیس جدید
- بررسی هاس سیاسی و اجتماع
- تاریخ هنر هفتم (۱۶۲۲)

بسیاری وی را محور اصلی تحول فکری در قرون وسطی می دانند تا جایی که او را از **با نیان انقلاب علمی** می شمارند و **پایان سلطه کلیسا** بر تفکر را به اندیشه های او نسبت می دهند.

تهیه کننده: یوسف مدالی

موسس و صاحب امتیاز دبیرستان غیردولتی موحد